

## رویکرد فرهنگی - اجتماعی آل زیار

(۳۱۵-۴۷۰ ه. ق)

هادی وکیلی<sup>۱</sup>

مصطفی لعل شاطری<sup>۲</sup>

حسین رضائزاد<sup>۳</sup>

### چکیده

از سقوط ساسانیان و گشوده شدن ایران به دست مسلمانان تا پایه گذاری آل زیار، نزدیک به سیصد سال می گذشت. در این مقطع، وضع اجتماعی و فرهنگی ایران دچار دگرگونی‌هایی شده بود. مردم شهرها و روستاها تحت تأثیر فرهنگ اسلامی، برخی از آئین‌ها و سنن پیشین خود را تغییر داده و به آئین نو درآمده بودند. در دوره زیاری از سویی آداب و رسوم و جشن‌های ایران باستانی نظیر جشن نوروز، مهرگان و سده با شکوه هر چه تمام‌تر برگزار می‌شود و از طرف دیگر با ورود اسلام به ایران، این امور با در آمیختن با موازین اسلامی و تلفیق با آن استمرار می‌یابد. رسوم ایرانی و اسلامی با هم خلط می‌شوند و در انواع جشن‌ها و مراسم سوگواری و حتی نوع غذا و پوشاکی که استفاده می‌کردند، این امتزاج دیده می‌شود. منظر انتخابی پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به متون تاریخی و ادبی، بررسی و تحلیل رویکرد فرهنگی - اجتماعی آل زیار می‌باشد تا ضمن آگاهی به گوشه ای از آداب و رسوم اجتماعی رایج در این روزگار، مدخلی نیز برای مطالعه در حیات اجتماعی ایران در دوران زیاری گشوده شود.

**واژه‌های کلیدی:** آداب و رسوم، زیاریان، جشن‌ها، سوگواری، پوشاک.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد vakili355@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد mostafa.shateri@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد rezanezhad\_hossein@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۰۸

از سقوط ساسانیان و گشوده شدن ایران به دست مسلمانان تا پایه گذاری آل زیار نزدیک به سیصد سال می گذشت. در این مدت وضع اجتماعی و فرهنگی ایران دچار دگرگونی‌هایی شده بود. مردم شهرها و روستاها تحت تأثیر فرهنگ اسلامی بسیاری از آئین‌ها و سنت‌های پیشین خود را تغییر داده و به آئین نو درآمده بودند؛ اما بیدادگری امویان، عباسیان و کارگزاران ایشان مایه آن شد که در طول این سه سده، جنبش‌ها و کوشش‌هایی در جهت بیرون آمدن از سلطه خودکامانه خلفای کاخ نشین شام و بغداد شکل گیرد. زیاریان از نوادگان «زیار بن وردانشاه» به طایفه پادشاه گیلی که در ناحیه داخلی ایران به سر می بردند، تعلق داشتند. آنان نیز مانند دیگر سلسله‌های ایرانی، نسب خود را به دودمان پادشاهان پیش از اسلام می رساندند و مدعی بودند که نوادگان «ارغش فرهادان» شاه گیلان در زمان کیخسرو هستند.<sup>۱</sup> دولت آل زیار در اوایل قرن چهارم به دست مرداویج (۳۱۵-۳۲۳ ق) پسر زیار تأسیس شد. پادشاهان آل زیار می کوشیدند تا خود را از اطاعت خلفای عباسی بیرون بکشند، آنان برای رسیدن به این هدف چنین بیان می نمودند که برای ملت ایران ارزش ویژه ای قائل اند و نسبت به ملیت ایرانی تعصب خاص دارند و آن را از جان و دل می ستایند. یکی از نمودهای گرایش آنان به ملیت ایرانی، برگزیدن نام‌های سره پارتی بود. تلاش ناموفق مرداویج در از میان بردن خلافت عباسی و احیای آئین‌ها و سنن ایران باستان در جهت همین اهداف بود؛ لیکن سایر فرمانروایان زیاری حتی اگر هم چنین اهدافی در دل داشتند، به نظر می رسد نمی توانستند به شیوه و سیاق مرداویج در این زمینه عمل کنند، پس اهداف خویش را به شیوه و سبک متعادل تر و معقولانه تری دنبال کردند؛ چنانکه برخی از پادشاهان آل زیار نظیر قابوس بن وشمگیر (۳۶۶-۴۰۳ ق) و کیکاووس بن اسکندر (۴۴۱-۴۶۲ ق) به گسترش فرهنگ و علوم و ادبیات کمک



کردند و خود آثاری در دانش و ادب و خوشنویسی پدید آوردند. برخی از پژوهشگران شرح روایی جامع و مفیدی از حکومت آل زیار و اقدامات و فتوحات آنان ارائه می‌دهند<sup>۲</sup> اما کمتر از آداب و رسوم و حیات اجتماعی مردم این دوره سخنی به میان می‌آورند. از این رو بررسی و تحلیل این آداب و رسوم، محور کار این مقاله می‌باشد.

### جشن‌ها

در دوره‌ی زیاری جشن‌های ایران باستانی نظیر جشن نوروز، مهرگان و سده با شکوه هر چه تمام تر برگزار می‌شد. ترجمه بسیاری از آثار عهد ساسانی به عربی در دوران فعالیت نهضت شعوبیه و انتقال عقاید و اندیشه‌های ایرانی به جهان اسلام، راه تقلید از شاهان ساسانی را هموار کرده بود. (Busse, 1973: 49) ارتباط مستقیم شاه با آسمان و در نتیجه جایگاه منیع و رفیع شاه در آن اندیشه، توسل به آن را به عنوان مناسب‌ترین راه برای سرداران ایرانی جلوه گر ساخت. بدین معنی که آن‌ها با تمایز قائل شدن میان اعتقادات و ارزش‌های اسلامی با آداب و رسوم بدوی اعراب، ضمن ابراز جدیت در پذیرش و حمایت از دین اسلام، خود را به اشراف یا اشخاص اساطیری ایران قبل از اسلام منتسب می‌ساختند تا مشروعیت یابند (رحمتی و شاهرخی، ۱۳۹۱: ۱۸) در این راستا مرداویج از نخستین افرادی است که آشکارا ایده احیای شاهنشاهی ساسانی را مطرح کرد و به تلاش برای تحقق آن پرداخت. (Madelung, 1969: 86-88) عده ای از محققان، اقدام مرداویج را حرکتی ضد عربی برای احیای شکوه و عزت ایرانیان از طریق تجدید حکومت ساسانی دانسته و او را به عنوان سربازی میهن پرست معرفی کرده‌اند. (Bosworth, 2002: 539; Garthwaite, 2005: 128؛ اشپولر، ۱۳۶۹: ۱۵۷/۱) برخی نیز اقدامات او را مذهبی و در معنی نوعی اسلام ستیزی و به تبع آن تلاش برای احیای کیش زردشتی پنداشته‌اند. (اشپولر، ۱۳۷۷: ۱۵۷/۱؛ زرین کوب، ۱۳۷۱: ۲/ ۳۹۳) اقتباس مرداویج از

شاهنشاهی ساسانی را می‌توان در چهار محور خلاصه کرد: الف) تدارک تاج و تخت مرصع به انواع جواهر، ب) ساخت کاخ‌ها و قصور به سبک معماری ساسانی، ج) برگزاری جشن‌ها و مراسم با تجمل و تکلف بسیار، د) اطلاق عنوان شاهنشاه. (رحمتی و شاه‌رخ، ۱۳۹۱: ۲۸) وی اقتدا به سیره شه‌ریاران ساسانی و تقلید عملی از آنان را به عنوان مقدمه احیای شاهنشاهی ساسانی در نظر داشته است. پیروی و تقلید از حکمرانان باستانی، دقیقاً با انجام کارها و اعمال مشابهی که انجام داده بودند، تجدید شکوه و موفقیت آن‌ها را نوید می‌داد. (همان: ۲۹)

مرداویج که اهمیت خاصی برای رسوم ایرانی قائل بود، علاوه بر برگزاری جشن‌های باستانی، علاقه زیادی به آداب باستانی ایران داشت از جمله این که قصد داشت بغداد را تصاحب نموده و فرمانروایی و سلطنت را به ایرانیان برگرداند و دولت عرب را از میان بردارد. (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۳۸۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۶۸: ۲۰/۲) و از این جهت در نامه‌های خود به «ابن وهبان» دستور داده بود که «ایوان کسری» را برایش آماده ساخته و به همان شکل پیش از آمدن عرب آن را بازسازی نماید تا هنگامی که به بغداد می‌رسد، آنجا فرود آید و خود را شاهنشاه ملقب کند. (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴/۲۵؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۲۰/۵) همچنین دستور داد که تاجی مانند تاج انوشیروان پسر قباد را برایش بسازند و قصد داشت به شکل پادشاهان ایرانی تاجگذاری کند. (برزگر، ۱۳۳۴: ۱۸۷/۲) وی بر تختی زرین می‌نشست که جواهرنشان بود و پایین تر از آن تختی سیمین که فرش بر آن پهن بود و پایین تر از آن‌ها، چند کرسی بزرگ زرنگار تدارک دیده بود تا یاران خود را به ترتیب بر آن بنشانند. (مسعودی، ۱۳۶۵: ۷۵۰/۲) این گرایش به ایران باستان حتی در کارهای عمرانی مرداویج نیز مشهود بود، به عنوان مثال مکانی به نام جیل آباد در جهت شرق ری وجود داشت که ساختمان‌ها، ایوان‌ها،



استخرها و گردش گاه‌های زیبایی در خود داشت که مرداویج آن را بنا کرد که بدون تردید نمونه‌ای از ساختمان‌های قدیم خسروی می‌باشد. (مینورسکی، ۱۳۵۴: ۷۳)

همچنین یکی دیگر از نمونه‌های گرایش زیاریان به ملیت ایرانی، برگزیدن نام‌های سره پارسی بود. نام‌هایی همچون: قابوس، بیستون، کیکاوس، دارا، منوچهر و اسکندر (شبانکاره ای، ۱۳۶۳: ۹۳) که در این میان مرداویج برگرفته از دو جزء مرد+ آویز (آویختن) به معنای کسی است که با مرد در می‌آویزد. (ابن اسفندیار، بی تا: ۲۳/۱)

امرای کاکویه (۳۹۸-۵۳۶ ق) نیز آثار و ابنیه مذهبی و غیر مذهبی از جمله مساجد و مدارس در یزد احداث کردند. آنان با حفر قنات‌های متعدد و ساخت مدارس، باعث رونق و آبادانی این منطقه شدند. (Bosworth, 2012: 362؛ میرجلیلی، ۱۳۸۶: ۲۲)

فعالیت‌های عمرانی کاکویان موجب شد تا یزد به لحاظ توسعه شهری، هم پایه شیراز در عهد عضد الدوله دیلمی تلقی شود. (دایره المعارف تشیع، ۱۳۶۹: ۱۱۴) فرمانروایان کاکویی به فرهنگ و تمدن ایرانی و دانشمندان و شعرا، توجه و علاقه ویژه‌ای داشتند و دربار آنان، مأمّن افرادی مثل امیر الشعرا معزی و دانشمندانی چون ابن سینا بود. در همین دوره و با حمایت خاندان کاکویه از فرهیختگان، کتاب‌هایی به فارسی ترجمه و نوشته شد که این امر به اعتبار، رشد و رونق زبان فارسی کمک کرد. امرای کاکویه خود صاحب خرد و تفکر بودند و با حمایت‌های مستمر مادی و معنوی از اندیشمندان، خدمات قابل توجه فرهنگی به جامعه و فرهنگ ایران کردند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

### جشن نوروز

نوروز برابر با یکم فروردین ماه، جشن آغاز سال و یکی از جشن‌های به جا مانده از دوران باستان است. نوروز واژه‌ی مرکبی است که از دو جز «نو» و «روز» تشکیل شده و همانگونه که در لغت فارسی افاده معنا می‌کند، مفهوم «روزنو» از آن بر می‌خیزد.

(Koutlaki, 2010: 65؛ شعبانی، ۱۳۷۸: ۱) همچنین خیام در باب نامگذاری نوروز بیان می‌دارد «سبب نام نهادن نوروز، بر آمدن خورشید به برج حمل در هر ۳۶۵ روز است. چون نخست جمشید آن را دریافت، آن را جشن گرفت و مردم نیز چنین کردند و چون پادشاهان آن را دریافتند از برای بزرگداشت آفتاب آن را نشانه کرده و جشن ساختند و عالمیان را خبر کردند تا آنان نیز چنین کنند. بر پادشاهان واجب است که بهر مبارکی و تاریخ خرمی آن را به جای آورند. هر کس روز نوروز جشن کند و به خرمی پیوندد تا نوروز دیگر عمر در شادی گذرانند...» (خیام، ۱۳۸۰: ۲)

در سرزمین ایران از دیرباز اول فروردین به مناسبت آغاز بهار جشن گرفته می‌شده و پادشاهانی که پس از جمشید خواه در دوران اسطوره و خواه در دوران تاریخی روی کار آمدند، در این کار به او تاسی می‌جستند چنانچه در دوره زیاری شاهد آن می‌باشیم و از این جهت پرویز رجبی بر این باور است که «آمیختن نوروز با افسانه‌ها و اسطوره‌های کهن ایرانی را ایرانیان سال‌ها پس از آمدن اسلام به ایران، با هدف پاسداری از یک آیین کهن سال و بسیار بزرگ میهنی صورت دادند. نوروز پس از آن که به طور کامل در میان مردم جا افتاد، کم کم در میان بزرگان جامعه و سپس دربار و پادشاهان رواج یافت و در میان آنان با شکوه تمام برگزار می‌شد، به ویژه در کاخ‌های سلطنتی...» (رجبی، ۱۳۷۴: ۱۰).

هر چند به وضوح در منابع آل زیار به بحث نوروز پرداخته نشده است اما با شواهد و قراین سلسله‌های قبل و بعد و یا همزمان آنان می‌توان این مراسمات را مشابه دانست. نوروز معمولاً با سلسله اعمال گسترده در میان فرهنگ‌ها و خورده فرهنگ‌های قومیت‌های نژاد آریایی همراه بوده است، چنانکه پس از ورود اسلام به ایران این امور با در آمیختن با موازین اسلامی و تلفیق با آن استمرار یافت. به احتمال فراوان در این دوره تا حدودی به مانند ادوار قبل از خود، سفره هفت سین را که



جانشین هفت شین<sup>۳</sup> باستان بود، می گسترانیده، اتاق بزرگی را برای جشن تدارک دیده و گل کاری می کردند و در آن اسپند دود می نمودند و با افروختن آتش و آب پاشیدن بر یکدیگر و غسل کردن، آماده ورود به سال نو می گشتند و پس از آن با در دست داشتن هدایایی به دیدار یکدیگر رفته و ساعاتی را با هم می گذرانیدند. پادشاهان نیز در این روز به بخشش هدایایی در میان فرزندان و گاه درباریان پرداخته و گاه زندانیان را مورد عفو قرار می دادند و نیز بار عام داده و در کاخ مخصوص بر تخت می نشستند و افراد قادر به ملاقات با آنها بوده اند. (جاحظ، ۱۳۴۳: ۲۷۱-۲۷۰؛ گردیزی، ۱۳۴۷: ۲؛ خلف تبریزی، ۱۳۶۲: ۴-۲۱۸۹)<sup>۴</sup>

### جشن مهرگان

مهرگان از مبانی اعتقادی پربراری برخوردار و فرض بر این است که مهر- خورشید- در این روز متولد شده است. بنابراین تأثیر آشکار و غیر قابل انکار مهر در بافت اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی ایرانیان باستان و حتی پس از آن ژرف و گسترده بود. ابوریحان بیرونی از مهرگان شرح جالبی داده است، وی گزارش می دهد: «اول مهر، هرمزد روز است. روز شانزدهم مهر عید بزرگی است و به مهرگان معروف است و آن خزان دوم باشد که به معنای دوستی جان است و گویند مهر مام آفتاب است و چون در این روز بود که آفتاب بر اهل عالم پیدا شد، این روز را مهرگان گویند [...] و می گویند خداوند در این روز زمین را گسترانید و کالبدها را برای جایگاه ارواح به وجود آورد و ماه را که کره ای تاریک و سیاه بود جلا و روشنایی داد. اما ایرانیان که قائل به تأویل هستند می گویند: مهرگان دلیل قیامت و آخر عالم است، چرا که هرچه را دارای نمو باشد در این روز به منتهای نمو خود می رسد [...] و حیوان در این روز از تناسل باز می ماند بالعکس نوروژ». (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۹۳)

از رسوم رایج روز جشن این بوده که رعایا برای سلطان هدیه می‌فرستادند و سعی بر این بود که هر کس بهترین و ارزشمندترین چیزی را که دارد تقدیم نماید و غالباً این هدایا شامل اشیاء خوشبو و معطر و پارچه‌های گرانبها بود. در این روز عموماً مرسوم بود که دامداران و سواران، اسب و مردم محتشم تر به تناسب وضع مالی و شأن اجتماعی خود سدره (بالاپوش) به سلطان هدیه می‌دادند و شاعران مدح تقدیم می‌نمودند و در این بین اگر ارزش هدیه ای بیش از ده هزار درهم بود در دیوان حکومتی ثبت می‌شد. معمولاً در این روز پادشاه بار عام می‌داد و مردم بی واسطه پادشاه را ملاقات می‌کردند و هر عرض و شکایتی که داشتند به آن رسیدگی می‌شد. (Koutlaki, 2010: 65؛ اورنگ، ۱۳۳۵: ۱۲۵؛ فره وشی، ۱۳۷۳: ۱۶) البته این گونه به نظر می‌رسد که پس از اسلام، مهرگان به رغم سختگیری‌های اعمال شده از جانب حکام به دشواری جایگاه خود را حفظ کرد اما در دوره زیاری از یک سو در جهت تلاش برای احیای فرهنگ باستان از جانب پادشاهان این سلسله همچون مرداویج و از سویی به دلیل این که اکثریت مردم شمال ایران را قشر کشاورز، دهقان و رمه داران که طبقات اصیل تیره‌های آریایی را تشکیل می‌دادند و «ایزد مهر» را نگهبان خود و اموالشان فرض می‌کردند، برپایی این جشن جاری بوده است.

### جشن آتش افروزان (جشن سده)

یکی از باشکوه‌ترین جشن‌های باستانی که در دوره‌ی زیاری در محدوده خراسان، گیلان و به ویژه مازندران با دقت و شیوه خاصی برگزار می‌گشت، جشن سده بود. برگزاری جشن سده که یک سنت اصیل ایرانی بود و سابقه آن به روزگار هوشنگ پیشداد و کشف آتش توسط او می‌رسید و همه ساله در دهم بهمن برگزار می‌شد، چه در ایران باستان و چه در دوره اسلامی، در میان ایرانیان امری رایج بود. (مهرآبادی، ۱۳۷۴: ۵۵-۵۶) «روز دهم این برج (بهمن ماه)، روز آبان عید است که آن را سده





گویند، یعنی صد و آن یادگار اردشیر بابکان است و در علت و سبب این جشن‌ها گفته‌اند که هرگاه روزها و شب‌ها را جداگانه بشمارند میان آن و آخر سال عدد صد به دست می‌آید و برخی گویند سبب این است که در این روز زادگان کیومرث، پدر بشر، درست صد تن شدند و یکی از خود را بر همه پادشاه گردانیدند و جمعی بر آن‌اند که این روز عید هوشنگ پیشدادی است که تاج عالم را به دست آورد و دسته ای هم گفته‌اند در این روز جهنم از زمستان به دنیا بیرون می‌آید از این رو آتش می‌افروزند تا شر آن برطرف گردد و تبخیر می‌کنند، که تا مضرات آن را برطرف کنند تا اینکه در خانه ملوک در این شب رسم شده که آتش بیفروزند و چون شعله ور گردد وحوش را به آتش می‌اندازند و مرغ‌ها را در شعله آن می‌پراندند و در کنار این آتش می‌نشینند و به لهب و لعب مشغول می‌شدند». (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۹۸)<sup>۶</sup>

از جمله رسوم جشن سده افروختن آتش، نیایش و بزرگداشت آن، چرخیدن گرداگرد هیزم افروخته، پریدن کودکان و بزرگسالان از روی آن بود که معمولاً این آتش در میان دشت فراخ و گاه بر فراز تپه‌ها، کوه‌ها، پشت بام‌ها و مناطق رفیع شهر روشن می‌شد و هرکس به فراخور حال خود اعم از پادشاه و رعیت، پشته ای هیزم به خصوص از چوب گز تهیه و آتش می‌زد. در این میان مراسم آتش بازی پادشاه از همه باشکوه تر بود، بویژه که در برابر او خوانی از غذاهای گوناگون گسترده و سرگرم خوش گذرانی می‌گردید. (Schimmel, 1974: 89; Koutlaki, 2010: 65; آذر گشسپ، ۱۳۵۲: ۳۲۵؛ عرب گلپایگانی، ۱۳۷۶: ۱۶۰)

آیین حیات بخش اسلام اگر چه تغییرات گسترده ای در باورهای مردم ایران به وجود آورد، اما ایرانیان با گزینش خدای یگانه و اسلام، رسوم و جشن‌های خود را به طور پراکنده اجرا می‌کردند، به ویژه این که در دوره زیاریان تأکید فروانی به احیای سنت‌های باستانی بود و از این رو آمده است در طی جشنی که مرداویج در اصفهان

برگزار کرد علاوه بر آتش بزرگی که افروختند، حدود دوهزار کلاغ و باز را برایش شکار کردند و پاهای آن‌ها را آغشته به نفت کردند و به پرواز در آوردند، به طوری که از روشنایی آتش، شب همچون روز شد و علاوه بر آن شعله‌های ریز و کوچکی با شمع‌های زیادی را روشن کردند که شعله آن زیبایی خاصی به جشن می‌بخشید. ترتیب مراسم جشن به این صورت بود که شاه در ابتدای شب، سفره ای شاهانه تدارک می‌دید و همه مردم را به آن سفره باشکوه دعوت می‌کرد و انواع غذاهای لذیذ از جمله گاو، گوسفند و مرغ و انواع پرندگان به صورت بریان طبخ شده و انواع شیرینی‌ها و خورش‌های گوناگون و انواع حلواها آماده می‌گشت. مردم نیز از آن غذاها خورده و بعد از صرف غذا، آتش بازی را شروع می‌کردند و آتش‌ها و شعله‌ها را روشن نموده و به شادی و مسرت می‌پرداختند. (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۳/ ۶۱۹؛ ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴/ ۲۱) به هر حال جشن‌ها و آیین‌های ایرانی در دوره زیاری و در مناطق شمالی ایران پس از ورود اسلام اگرچه با شکوه و عظمت دوران اساطیری و تاریخ پیش از اسلام در ایران نبود، استمرار و تداوم خود را حفظ کرد، چنانچه شور و اشتیاق و رغبت و پافشاری مردم در این راستا نقشی محوری داشت.

علاوه بر جشن‌های باستانی که در دوره‌ی زیاری برگزار می‌شد، جشن‌هایی که بیشتر جنبه دینی داشت نظیر جشن عید ماه مبارک رمضان، جشن عید قربان و ختنه سوران نیز برای پسران برگزار می‌شد (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۳۱). اغلب در ماه رمضان به مساجد می‌رفتند و مساجد را در این ماه با شمع و قندیل تزئین می‌کردند (همان: ۱۲۱) و پس از پایان ماه رمضان جشن باشکوهی برپا می‌کردند:

«ماه رمضان رفت و مرا رفتن او به عید رمضان آمد، المنة لله

بر آمدن عید و برون رفتن روزه ساقی بدهم باده، بر باغ و به سبزه». (دامغانی،



از دیگر جشن‌هایی که در دوره‌ی زیاری جنبه اسلامی داشت، جشن ختنه سوران بود که هنگام ختنه کردن پسران برگزار می‌شد و در آن روز به شادی می‌پرداختند و در شریعت اسلام به آن تأکید شده و لازم و ضروری شمرده شده است (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۱۳۲). جشن عید قربان نیز از دیگر جشن‌هایی بود که جنبه اسلامی داشت و در این روز گاو، گوسفند و شتر قربانی می‌کردند. (همان: ۲۳).

### سوگواری

شیوه‌های تدفین و مراسمی که جهت سوگواری برای مردگان انجام می‌شود در هر جامعه‌ای متفاوت و بر اساس مذهب حاکم بر جامعه تعریف می‌شود و شکل خاصی دارد. در دوره‌ی زیاریان که دین اسلام را پذیرفته بودند، شیوه‌های تدفین و مراسم سوگواری بر اساس اصول اسلامی انجام می‌شد. بعد از مردن شخص، میت را در تابوتی قرار می‌دادند و وابستگان و اطرافیان وی، تابوت را پیاده حمل می‌کردند و مراسم تشییع را انجام می‌دادند، چنانکه در مراسم تشییع جنازه مرداوویج، او را در تابوت قرار دادند و تابوتش را حمل کرده و به سوی ری رهسپار شدند. این نشان می‌دهد که ترجیح می‌دادند مرده را در محل زندگی و زیست شهرش دفن کنند و «هر کسی که از یاران او در شهر ری بود و همه گیل‌ها و دیلم‌ها به همراه وشمگیر چهار فرسنگ را از شدت سوگ و ماتم با پای برهنه به استقبال جنازه رفته و مراسم تشییع جنازه را باشکوه هرچه تمام‌تر برگزار کردند». (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴/۲۵) به طوری که ابومخلد از خدمتگذاران و دولتمردان مرداوویج چنین یاد می‌کرد که: «من روزی پر جوش تر از آن روز که تابوت مرداوویج به ری رسید ندیده بودم». (مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۴۱۸) در جریان تشریفات فوق العاده‌ای که در جریان تشییع و تعزیت وی برگزار بود، وشمگیر را به امارت سپاه و جانشینی برادر انتخاب کردند. (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۲/۳۹۵) بعد از مراسم تشییع، جنازه میت را به گورستان که در خارج از شهر وجود

داشت حمل می‌کردند و مرده را به خاک می‌سپردند. (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۵۷؛ برزگر، ۱۳۳۴: ۱۸۷/۲)

در دوره زیاری گویا مردم سرزمین‌های شمالی ایران طی مراسم سوگواری با سرهای برهنه گرد جنازه می‌آمدند و عزاداران تعزیه خوانی و نوحه سرایی می‌کردند و خود را با کیسه‌ها می‌پوشاندند و آن را بر سر و ریش خود می‌پیچاندند. آن‌ها مجلس‌هایی آزاد در کوچه و بازار نیز برگزار می‌کردند و با پوشیدن کیسه‌ها و در دست داشتن زوبین در آن شرکت می‌نمودند. (مقدسی، بی تا: ۵۴۵/۲) معمولاً پس از فوت افراد سرشناس و بویژه شاهزادگان، سه روز را به عنوان عزای عمومی اعلام می‌کردند و در این سه روز تنها به عزاداری می‌پراختند و این به نوعی احترام برای شخص درگذشته و اطرافیانش بود. (ابن اسفندیار، بی تا: ۱۴/۱؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۹۰/۶) در هنگام فوت شاهزادگان محلی، خلفا نیز تعزیت نامه‌هایی برای بازماندگان متوفی می‌فرستادند. (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۴۰۷/۲) حتی از نظر فقهی هم به تعزیت دادن بازماندگان سفارش شده بود تا به این وسیله حزن و اندوه آنان سبک شود (محدث دهلوی، ۱۳۸۲: ۷۸/۲) و اینگونه به نظر می‌رسد که برای آمرزش روح مردگان و درگذشتگان صدقه می‌دادند و خیرات می‌کردند، چنانکه نویسنده قابوس نامه می‌نگارد که «در صدقه دادن از بهر پدرم و ترحم فرستادن زیادت کردم». (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۱۳۴)

### پوشاک

نوع پوشاک و نحوه پوشش مردم هر جامعه در هماهنگی کامل با محیط و شیوه زندگی و معیشت مردمان آن جامعه می‌باشد. مقایسه‌ی بین نوع پوشاک و نحوه‌ی پوشش جوامع بشری در مناطق مختلف کره زمین از نقاط سردسیر تا نواحی گرمسیر به خوبی صحت این نظریه را تأیید می‌کند. (کاکس، ۱۳۷۲: ۵) در این راستا، در دوره



زیاریان مانند همه ادوار تاریخی، نوع پوشاک طبقات مختلف با هم متفاوت بود و لباس‌های بزرگان و اشراف، اغلب به دلیل آن که نواحی شمالی ایران محیط و منطقه ای مناسب برای پرورش کرم ابریشم بود و ابریشم مرغوبی در این نواحی به دست می‌آمد، از جنس ابریشم بودند و نیز لباس‌هایی از جنس کتان مورد استفاده قرار می‌گرفت. (حدود العالم، ۱۳۸۳: ۳۹۴) از سوئی لباس و نوع پوشاک در قلمرو حکومت زیاریان متناسب به طبقه ای که فرد در آن قرار می‌گرفت، متفاوت بود و اغلب بر اساس نوع محصولات منطقه، جنس لباس‌ها مشخص می‌شد.

در باب لباس زنان در این دوره این گونه به نظر می‌رسد که با توجه به نگاه تعصب آمیز به زنان و محدودیت‌هایی که برای آنان در نظر گرفته می‌شد، در نوع پوشش زنان نیز حساسیت نشان داده و اغلب با لباس‌های پوشیده در اجتماع ظاهر می‌شدند. استفاده از چادر در این دوره دیده می‌شود که در نوع خود جالب توجه است و در زیر چادر نیز لباس‌هایی پوشیده می‌شد که از سر تا روی ران و نوک پا را می‌پوشاند که به احتمال فراوان این چادر به رنگ سیاه بود، چنانچه شاعر این دوره منوچهر دامغانی می‌سراید:

«پوشید در زیر چادر همه ستبرق ز بالای سر تا به ران

ز زاغان بر نوژ گویی که هست کلاه سیه بر سر خواهران». (دامغانی، ۱۳۷۵:

(۷۵

احتمالاً در پوشش این دوره در داخل آستین لباس‌ها جایگاهی را تعبیه می‌کردند تا پول‌ها و اشیاء با ارزشی را که همراه داشتند در درون آن بگذارند: «صد دینار در آستین داشت بر دستارچه بسته از آستین بیرون گرفت». (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۱۰۹)

## خوراک (آداب مهمانی و غذا خوردن)

آداب و وعده‌های غذایی در بین طبقات مختلف، متفاوت بود، چنانچه بازاریان معمولاً شب‌ها بیشتر غذا می‌خوردند. در واقع به دلیل نوع شغلی که داشتند، وعده ظهر را در محل کار می‌گذراندند و به همین دلیل شب‌ها در منزل غذای بیشتری را استفاده می‌کردند. افراد سپاهی نیز به دلیل شرایط شغلی که در آن قرار داشتند، هر زمانی که فرصت می‌یافتند، غذا می‌خوردند. مردان خاص و محتشم نیز در شبانه روز یک وعده غذای سنگین می‌خوردند؛ به میزانی که برای گذراندن زندگی و سر پا بودن اندام کفایت کند. (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۶۵-۶۶) میهمانی رفتن و میزبان خوب بودن از رسومی بود که در دوره زیاری و مردم آن خطه بسیار اهمیت داشت و بر آن تأکید می‌شد که هرگاه میهمان به خانه می‌آید به پیشواز میهمان باید رفت و به گرمی از او استقبال کرد و در مقابل آن‌ها باید شاد و بشاش بود و از این رو بسیار برای مهمان ارزش قائل بودند. سعی می‌کردند سفره ای که برای مهمان تدارک می‌دیدند تا حد توان عیب و نقصی نداشته باشد. قبل از خوردن غذا با میوه از میهمان پذیرایی می‌کردند و بعد از مدتی مهمانان را به خوردن غذا دعوت می‌کردند. ابتدا بر سر سفره ترشی‌ها و چیزهایی که باعث برانگیختن اشتها می‌شد را می‌آوردند که در ابتدا بخورند و بعد غذاها را بر سفره آماده می‌ساختند. معمولاً صاحب خانه پایین تر از بقیه می‌نشست و در طول خوردن غذا، تأکید بر آن بود که میزبان به آرامی غذا بخورد تا همه بتوانند غذایشان را بخورند به طوری که همه میهمانان سیر شوند. میزبان بر سر سفره مراقب بود که اگر غذایی در نزدیکی شخصی بود و دیگران امکان دسترسی آسان به آن غذا را نداشتند، غذا را نزد دیگران قرار دهد تا بقیه هم از آن غذا بتوانند بخورند و توصیه می‌شد که سه ساعت بعد از خوردن غذا و نان نباید آب نوشید. بعد از غذا خوردن دست‌ها را می‌شستند و گلاب و عطر به مهمان می‌دادند.<sup>۷</sup> گویا پس از صرف





غذا دسته ای از اهل طرب نیز دعوت شده و هنر نمایی برای میهمان و صاحب خانه می‌پرداختند، به نحوی که گویا آنان در این دوره از ملزومات مهمانی‌ها محسوب می‌گشتند. (همان: ۷۲- ۷۱، ۶۶- ۶۵) بنابراین همان طور که ذکر گشت، در روزگار زیاری مهمان نوازی فرهنگی غالب بر مناطق تحت حکمرانی آنان محسوب می‌شده است.

### آداب درباری و عامه

در دربار زیاریان رسم بر آن بود که کمتر شاه با مردم دیدار داشت و به راحتی و برای همه ملاقات با شاه امکان پذیر نبود و حتی توصیه می‌شد که شاه کمتر در بین مردم حضور یابد تا در نزد آن‌ها عزیز باشد. (همان: ۲۲۸) هنگامی که سلطان قصد داشت تا در بین مردم حضور یابد اغلب سوار بر اسب گشته و غلامانش پیاده به دنبال او می‌رفتند (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۲۱/۱۴) و هنگامی که فردی به حضور شاه می‌رسید، رسم ادب آن بود که بر خاک بیفتد و تعظیم کند، چنانکه منوچهر هنگامی که به نزد پسرش رفت با این که پسرش بود ولی باز هم تعظیم کرد و بر زمین نشست و زمین خدمت را بوسید. (مرعشی، ۱۳۶۸: ۸۷۱) همچنین توصیه می‌شد وقتی که قصد داشتند به نزد بزرگان بروند اگر قبلش حمام رفته بودند، موهای خود را خشک کنند و با موی تر نزد افراد محتشم نروند که از نشانه‌های بی ادبی محسوب می‌گردید. (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۸۹)

از جمله سرگرمی‌هایی که در دوره زیاری انجام می‌شد، شکار کردن و چوگان بازی بود که بیشتر مربوط به جوانان طبقه بالای جامعه بود و بر اساس برنامه ای خاص دو روز در هفته را به شکار اختصاص می‌دادند. بازی شطرنج نیز از دیگر سرگرمی‌هایی محسوب می‌گردید که در این دوره انجام می‌شد. در این بازی اگر طرف مقابل شخص محتشمی بود، ادب حکم می‌نمود که نخست شخص محتشم دست به مهره زند و

آغازگر بازی باشد و حتی در دست اول، بازی را می‌بایست به شخص محتشم سپرد.

(Chehabi, 2002: 386؛ عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۹۴، ۷۸)

هدیه دادن از جمله مراسمی مرسوم و جالبی بود که در دوره‌ی آل زیار وجود داشت و در واقع هدیه و پیشکشی بود که مواقع متفاوت و طی مراسم خاص به فرمانروایان مناطق مختلف، خواستگاری و یا برای ایجاد رابطه‌ی ای دوستانه با همسایگان و به دلایل خاص دیگر می‌بخشیدند که گاهی نشانه ادب و احترام و علاقه به ارتباط دوستی بود و گاهی نشانه تابعیت محسوب می‌شد. به عنوان مثال از جمله این هدایا رمه اسبی بود که صاحب خراسان به وشمگیر هدیه داده بود (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۳۱/۶۴۱) یا هنگامی که سلطان محمود به مازندران رسیده بود، قابوس بن وشمگیر با تحف و هدایای بی‌شمار به خدمت وی پیوست و توشه راه سلطان را فراهم کرد (پرویز، ۱۳۳۶: ۱۱۳) و همچنین در سال ۴۲۰ ق یمین الدوله محمود بن سبکتگین به سمت ری می‌رفت که منوچهر بن قابوس صاحب گرگان و طبرستان چهارصد دینار و نزولات بسیار پیشکش او نمود. (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۶/۸۵)

همچنین شاهزادگان زیاری برای ابراز دست‌نشانده‌گی نسبت به خلفا هدایایی برای آن‌ها می‌فرستادند که از جمله آداب دربار زیاریان محسوب می‌شد، هدایای مفصلی که شمس‌المعالی قابوس برای منتصر فرستاد، نمونه‌ای از این رسم را نشان می‌دهد که شامل: ده سر اسب تازی با زین و سرافسار زر و سی سر با زین نقره کوب شده و سی سر با جل‌های ابریشم، بیست سر استر با زین زر و نقره و سی سر استر که بارشان فرش‌های فاخر و لباس‌های کمیاب و محصولات طبرستان و آلات و اسباب پادشاهانه و هزار هزار درهم شاهی و سی هزار دینار زر سرخ بود. علاوه بر این‌ها برای لشکر او هم اموال زیادی را بذل کرد. (جرفادقانی، ۲۵۳۷: ۱۸۷؛ خوافی، ۱۳۴۰: ۱۰۶/۲) باید دانست که این رسم هم در طبقه دربار دیده می‌شد و هم در بین عامه





مردم، اما از آنجا که اغلب اطلاع کمی از آداب و زندگی مردم عادی در دسترس است و منابع تاریخی بویژه در دوره زیاریان کمتر بدان پرداخته‌اند اطلاعات اندکی در دسترس می‌باشد، اما از خلال گزارش‌های ذکر شده به مسائلی از آداب و رسوم و طبقات عامه برمی‌خوریم، از جمله این که در شهرهای شمالی ایران (به ویژه مازندران کنونی) در دوره زیاری بازارهای هفتگی برپا می‌شد و برای هر شهر یک روز خاص را در نظر می‌گرفتند و پس از پایان بازار، زنان و مردان به جایگاهی که مخصوص کشتی گرفتن بود، می‌رفتند. در آنجا داوری می‌نشست و طنابی در دست می‌گرفت و هر کس که پیروز می‌شد، یک گره بر آن می‌بست (مقدسی، بی تا: ۵۴۶/۲) که این امر بیانگر این می‌باشد که آداب پهلوانی که میراثی از باستان بود، جزئی از زندگی اجتماعی مردم آن ناحیه محسوب می‌گردید.

رسمی که بیشتر از همه جالب توجه است آن بود که در گرگان بزرگ هنگامی که شخص غریبه‌ای وارد شهر می‌شد و احتیاج به نان پیدا می‌کرد، می‌توانست به منزل یکی از اهالی مراجعه کند و به اندازه نیازش نان دریافت نماید و اهالی گرگان فروش نان را به وی امانت می‌دانستند (همان) و این نشان از احترام و مهمان دوستی آنان داشت. یکی دیگر از رسوم که در دوره زیاری به آن اهمیت داده می‌شد، احترام بسیار به همسایگان بود و این که توصیه می‌شد در مراسم شادی آن‌ها نیز شرکت کنند و به اندازه‌ی توان خود برای آن‌ها هدیه بگیرند و یا از غذایی که طبخ می‌کردند، مقداری از آن را برای همسایه بفرستند: «اگر شادی بود با همسایه هم موافقت کن و به طاقت خویش هدیه فرست یا خوردنی یا داشتنی تا محتشم‌ترین کوی تو باشی».

(عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۱۲۱)

## نتیجه گیری

هر جامعه، ملت و یا منطقه جغرافیایی دارای عقاید، باورها، آداب و رسوم و فرهنگ مخصوص به خود است. در ایران بعد از اسلام با توجه به مسلمان شدن اکثریت مردم، بسیاری از این آداب و رسوم با آداب و اخلاق اسلامی آمیخته می شود که در دوره ی زیاریان نیز علاوه بر آداب سنتی و باستانی به دلیل مذهب اسلام، شاهد مراسم و رسوم اسلامی نیز هستیم. در این دوره به مانند تمام دوره های تاریخ ایران، منابع اغلب راجع به طبقه بالای جامعه خبر می دهند، با این حال مطالب جالب توجهی نیز از رسوم مربوط به طبقه عامه و پایین را به شکل جسته گریخته در مهمان نوازی ها و هفته بازارها و آداب برخورد با همسایگان که بیانگر آداب و رسوم پسندیده مردم این دوره می باشد، بیان می دارند. در این راستا جشن های ایران باستانی نظیر جشن نوروز، مهرگان و سده و جشن هایی که بیشتر جنبه دینی داشت نظیر جشن عید ماه مبارک رمضان، جشن عید قربان و ختنه سوران نیز برای پسران با شکوه هر چه تمام تر برگزار می شد. آداب و وعده های غذایی در بین طبقات مختلف، متفاوت بود. لباس و نوع پوشاک در قلمرو حکومت زیاریان متناسب به طبقه ای که فرد در آن قرار می گرفت، تغییر می کند و اغلب بر اساس نوع محصولات منطقه، جنس لباس ها مشخص می شد. شیوه های تدفین و مراسم سوگواری بر اساس اصول اسلامی انجام می شد.

## پی نوشت‌ها

۱ «...از نتیجه ارغش وهادان اند که به روزگار شاه کیخسرو ایالت جیلانات بدو مفروض می‌بود و اولاد ایشان دائم الاوقات در جیلان بودند». (مرعشی، ۱۳۳۸: ۳۸۸)

۲ برای اطلاعات بیشتر نک: Minorsky, 1964: 1-18.

۳ این گونه به نظر می‌رسد که در ایران باستان بر سفره نوروز: شیر، شراب، شکر، شهد، شمع، شمشاد و شایه قرار می‌گرفته و هفت شین را تشکیل می‌داده است چنانچه حکیم رودکی سمرقندی سروده است:

عید نوروز، مردم ایران می‌نهادند از زمان کیان

شهد و شیر و شراب و شکر ناب شمع و شمشاد و شایه اندر خوان

اما پس از ورود اسلام و پذیرش آن از سوی حکمرانان و مردم قلمرو حکمرانی آنان، ایرانیان مسلمان که سمبل هفت شین قبل از اسلام را بواسطه حرام بودن شراب کنار نهاده و هفت سین را جایگزین آن نمودند به نحوی که این امر در دوره‌ی زیاریان گویا اعمال شده است.

(آخته، ۱۳۸۸: ۵۲؛ مجلسی، ۱۳۵۳: ۱۳۰)

۴ «کارهای بسته را نوروز بگشاید همی دوستان را دوستی در دل بیفزاید همی». (لامعی

گرگانی، ۲۵۳۵: ۱۶۱)

۵ برای اطلاع بیشتر از آیین مهرپرستی و مراسم آن رک (زرین کوب، ۱۳۳۸: ۴۹۱؛ عنصاری،

۱۳۷۴: ۸۸).

۶ «آمد ای سید احرار شب جشن سده شب جشن سده را حرمت، بسیار بود». (دامغانی،

۱۳۷۵: ۳۰)

۷ امروزه نیز رسم گلاب دادن به مهمانان در برخی از مناطق شمالی ایران به خصوص مازندران به طور خاص و در طی مراسم عزا به صورت عام دیده می‌شود. (امیر قاسمی، ۱۳۷۶: ۱۱۵)



## منابع

- آخته، ابوالقاسم (۱۳۸۸). جشن‌ها و آیین‌های شادمانی در ایران، تهران: اطلاعات.
- آذرگشسپ، اردشیر (۱۳۵۲). آداب و رسوم و مراسم مذهبی زرتشتیان، تهران: فروهر.
- امیر قاسمی، مینو (۱۳۷۶). نگاهی به مسائل اجتماعی - فرهنگی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۵۰). تاریخ کامل اسلام و ایران، ج ۱۴، تصحیح مهیار خلیلی، ترجمه عباس خلیلی، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن (بی تا). تاریخ طبرستان، ج ۱، تصحیح عباس اقبال، به کوشش محمد رضانی، تهران: بی نا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۶). العبر، ج ۳، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۳۶۰). تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۷). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.
- اورنگ، مراد (۱۳۳۵). جشن‌های ایران باستان، تهران: راستی.
- برزگر، اردشیر (۱۳۳۴). تاریخ تبرستان پس از اسلام، ج ۲، تهران: بی نا.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۲). آثارالباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: ابن سینا.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۰). التفهیم لاوائل صناعه التنجیم، ترجمه جلال الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی ایران.



- پرویز، عباس (۱۳۳۶). **دیالمه و غزنویان**، تهران: کتب ایران.
- جاحظ، ابوعثمان (۱۳۴۳). **المحاسن والاضداد**، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: ابن سینا.
- جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر (۲۵۳۷). **ترجمه تاریخ یمینی**، به کوشش جعفر شعار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- خلف تبریزی، محمد حسین (۱۳۶۲). **برهان قاطع**، ج ۴، به اهتمام علی اکبر دهخدا، تهران: امیرکبیر.
- خوافی، احمد بن محمد (۱۳۴۰). **مجمل فصیحی**، ج ۲، تصحیح محمود فرخ، تهران: کتابفروشی باستان.
- خیام، ابو ابراهیم عمر (۱۳۸۰). **نوروزنامه**، تصحیح مجتبی مینویی، تهران: اساطیر.
- شبانکاره ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۶۳). **مجمع الانساب**، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۸). **آداب و رسوم نوروز**، تهران: الهدی.
- دامغانی، احمد بن قوص (۱۳۷۵). **دیوان منوچهری دامغانی**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار.
- دائرة المعارف تشیع** (۱۳۶۹). زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی، تهران: بنیاد خیریه و فرهنگی شط.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی** (۱۳۶۸). زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۲، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلام
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۴). **تاریخ سلسله زیاری**، تهران: دنیای کتاب.



رحمتی، محسن و سید علاءالدین شاهرخی (۱۳۹۱). «مرداویج و اندیشه احیای شاهنشاهی ساسانی»، پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، سال چهارم، ش ۱، ۱۷-۳۸.

- رجبی، پرویز (۱۳۷۴). جشن‌ها و آیین‌های ایران باستان، تهران: فرزین.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱). تاریخ مردم ایران، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران: امیرکبیر.
- عرب گلپایگانی، عصمت (۱۳۷۶). اساطیر ایران باستان، تهران: هیرمند.
- عنصری، جابر (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ عامیانه، تهران: قمری مرنند.
- عنصرالمعالی، قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۵۲). قابوس نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فروه‌وشی، بهرام (۱۳۷۳). ایرانویج، تهران: دانشگاه تهران.
- کاکس، روت ترنر ویل (۱۳۷۲). تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگمهر، تهران: توس.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۴۷). زین الخبار، ترجمه و تصحیح عبدالعلی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لامعی گرگانی، محمد بن اسماعیل (۲۵۳۵). دیوان لامعی گرگانی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: اشرافی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۵۳). سماء و العالم، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- محدث دهلوی، شیخ احمد شاه ولی الله (۱۳۸۲). حجه الله البالغه، ج ۲، ترجمه سید محمد یوسف حسین پور، بی جا: شیخ الاسلام احمد جام.



محمدی، ذکراالله، و عبدالرفیع رحیمی و زینب روستا (۱۳۹۱). «رویکرد فرهنگی  
عمرانی خاندان کاکویه»، فصلنامه مطالعات تاریخ ایران اسلامی، سال اول، ش ۳،  
۱۱۵-۱۳۱.

مرعشی، سید ظهیرالدین (۱۳۶۸). *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به کوشش  
محمد حسین تسیحی و مقدمه محمد جواد مشکور، تهران: شرق.  
مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵). *مروج الذهب*، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم  
پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶). *تجارب الامم*، ج ۵، ترجمه علینقی منزوی، تهران: طوس.  
مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (بی تا). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۲،  
ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.  
میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود (۱۳۸۰). *تاریخ روضه الصفا فی سیره  
الانبیا و الملوک و الخلفا*، ج ۶، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

میرجلیلی، سید محمد جعفر (۱۳۸۶). «مدارس علمیه یزد از آغاز تا پایان قرن ۷  
هجری»، فرهنگ یزد، سال ۸، ش ۳۰.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۵۴). *سفرنامه ابودلف در ایران*، ترجمه سید ابوالفضل  
طباطبایی، تهران: زوار.

ناشناس (۱۳۸۳). *حدود العالم من المشرق الی مغرب*، ترجمه میرحسین شاه، تهران:  
دانشگاه الزهرا.

- Bosworth, C.E, (2002). **Ziarids** Encyclopedia of Islam, New edition, Vol. 11.  
Bosworth, C. E (2012). **Kākuyids** Encyclopedia Iranica, Vol. XV, pp. 359°  
362.  
Busse, Heribert, (1973). **The Revival of Persian King ship under the Buyids**  
ed. D.S, Richards, Islamic Civilization, London, Pp 950-1150.  
Chehabi, H.E, (2002). **From Iran to All of Asia: The Origin and Diffusion of  
Polo** The International Journal of the History of Sport, Vol 19, Pp 384-400.

---

Garthwaite, Gene, (2005). **The Persians (Peoples of Asia)**, Kingdom, Wiley-Blackwell.

Koutlaki, Sofia, (2010). **Among the Iranians: A Guide to Iran's Culture and Customs**, London, Intercultural Press.

Madelung, Wilferd,(1969). **The Assumption of the Title shahanshah by Buyids and the reign of the Daylam** *Journal of Near Eastern Studies*, Vol 28, Pp 84-108.

Minorsky, V, (1964). **La domination de Dailamites** in *Iranica: twenty articles*, London.

Schimmel, Annemarie, (1974). **The ornament of the saints: the religious situation in Iran in pre-Safavid times** *Iranian Studies*, Vol 7, Pp 88-111.

